

نقد و بررسی معادل ترکیبی «حَلالِ طَیِّب» در ۵۴ ترجمه فارسی قرآن کریم

اکبر ساجدی^{*۱}

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی، تبریز، ایران

پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۶

دریافت: ۹۵/۵/۲۷

چکیده

کلمات «حَلالاً طَیِّباً» و «طَیِّبَات» در قرآن مجموعاً، بیش از بیست بار (صراحتاً و یا به‌عنوان مصداق بارز) درباره غذا به کار رفته است. معانی متفاوتی از این ترکیب در ترجمه‌ها ارائه شده است. باید دید که معنای دقیق ترکیب «حلال طیب» چیست؟ نویسنده با پیشنهاد معنای «گوارا» و «خوش» برای «طیب»، ادله و شواهدی را در جهت اثبات و تقویت این معنا اقامه نموده است. در همین راستا بیش از پنجاه ترجمه فارسی قرآن کریم مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. معنای «پاکیزه» یا «حلال»، معنای دقیقی نبوده و جزو معانی مجازی شمرده شده و بیشتر از این که تحلیل مفهومی «طیب» باشد، به مصداق آن توجه دارد. اکثر مترجمان «طیب» را در معنای دقیق خود ترجمه ننموده‌اند. البته در این بین مترجمانی وجود دارند که در مواردی «طیب» را «گوارا و لذیذ» معنا کرده‌اند که متأسفانه آن‌ها نیز در تمامی آیات این مطلب را مراعات نکرده و از خود وحدت رویه نشان نداده‌اند. البته برخی از مترجمان در تمامی موارد، «طیب» را به معنای پاکیزه دانسته که هر چند از نظر تحقیق حاضر، ترجمه دقیقی ارائه نکرده‌اند، اما کارشان به خاطر رعایت وحدت رویه ستودنی است. از دیگر نتایجی که از مقاله حاضر بدست می‌آید نقش وصفی «طیب» برای «حلال» در ترکیب «حلالاً طیباً» است. اکثر مترجمان به نقش وصفی «طیب» دقت نکرده و آن را با حرف عطف واو به صورت «حلال و طیب» ترجمه کرده‌اند.

واژگان کلیدی: ترجمه‌های فارسی قرآن - حلال طیب - گوارا - پاکیزه - وصف - حرف عطف واو

۱- مقدمه

اسلام با داشتن فرهنگ غنی قرآن و سنت می‌تواند به همه نیازهای انسان در بعد جسمی، روحی، مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی پاسخ دهد. احکام مربوط به خوردنی و نوشیدنی‌ها در آموزه‌های اسلامی (در قرآن به صورت کلی و در روایات به صورت جزئی) وارد شده است. خداوند متعال در قرآن با یک بیان کلی، جواز خوردن همه غذاهای «حلال طیب» را اعلام کرده (بقره/ ۱۶۸؛ مائده/ ۸۸؛ انفال/ ۶۹ و نحل/ ۱۱۴)، و در موارد معدودی به مصادیق غذاهای حرام تصریح نموده (بقره/ ۱۷۳؛ مائده/ ۳ و نحل/ ۱۱۵)، ولی عمده مَحرمات و همین‌طور جزئیات و شرایط خوردنی و نوشیدنی‌های حلال و حرام را بر عهده سنت معصومان گذاشته است.

در ترجمه‌های فارسی قرآن، معادل «حلال طیب» به صورت‌های گوناگونی ترجمه شده است که به نظر می‌رسد نیازمند نقد و بررسی است. این تحقیق به دنبال یافتن معنای دقیق ترکیب «حلال طیب» است. پژوهش حاضر با محوریت بحث روی واژه «طیب»، معنای «حلال خوش» یا «روای گوارا» را برای واژگان مزبور پیشنهاد می‌کند. البته باید دید که چه ادله و شواهدی می‌تواند معنای مفروض را اثبات و یا تقویت کند؟ و همین‌طور بایستی ترجمه‌های قرآن کریم نیز به محک نقد و بررسی کشیده شده، دقت و مسامحه آن‌ها معلوم گردد. در همین راستا لازم است مطابقت ترجمه‌های فارسی این واژگان با برخی مبانی ادبی اعم از لغت، صرف و نحو، مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱- پیشینه تحقیق

توجه به معنا و تفسیر واژگان، «حلال طیب» مدنظر برخی از پژوهشگران بوده است. ۱- رستمیان (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی واژه طیب با توجه به مراحل معناشناختی واژه» با مقدمه‌ای درباره معناشناسی، پانزده آیه قرآن را که ماده (ط.ی.ب) در آن به کار رفته مورد بررسی قرار داده است. وی معنای طیب را بدون تفکیک مفهوم و

مصدق، به حسب «موصوف طیب» فراوان دانسته، اذعان می‌کند: طیب، ضد خبیث است و در معانی زیر به کار رفته است: «انسان طیب» یعنی: انسانی که از زشتی‌ها منزّه است، «طعام طیب» یعنی: غذای لذیذ، حلال، پاکیزه و بی‌ضرر، «مال طیب» یعنی: مالی که از هر عیب و نقص پاک باشد، «مدینه طیبه» یعنی شهری که از شرک پاک شده و نهایتاً «عبد طیب» یعنی: بنده‌ای که از فریب و بدعهدی به دور است.

۲- رزاقی در مقاله «امنیت غذایی از دیدگاه قرآن کریم»، به تعریف امنیت غذایی از منظر قرآن پرداخته و آن را تولید آگاهانه غذاهای حلال و طیب دانسته به شرطی که تولید مزبور به غیرمسلمانان وابسته نباشد و در بین مسلمانان، عادلانه توزیع شده و بدون گرفتاری به اسراف، مصرف شود. (رزاقی، ۱۳۸۸: ۱۷۱ - ۱۹۰)

۳- عالی‌پور و مهدوی در مقاله‌ای با نام «حلال و طیب، عالی‌ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی از دیدگاه قرآن» عنوان حلال طیب را یک برند اسلامی برای غذا دانسته و به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام، عالی‌ترین استانداردها را در زمینه غذا مطرح کرده که جامعیت لازم را از جهت بهداشتی، غذایی، ایمنی و سلامت داراست. (عالی‌پور و مهدوی، ۱۳۹۳: ۴۱ - ۵۰)

آنچه تحقیق حاضر را از تحقیقات پیشین جدا می‌کند، رویکرد مفهوم‌شناسی پژوهش است. در تحقیق حاضر برای اولین بار مفهوم دقیق طیب بررسی شده و در همین راستا بیش از پنجاه ترجمه فارسی قرآن که واژگان «حلال طیب» را ترجمه کرده بودند، مورد ارزیابی قرار گرفته، نقاط ضعف و قوتشان روشن شده است.

۱-۲- فرضیه پژوهش

مقاله حاضر درصدد اثبات این فرضیه است که «طیب» دارای معنای حقیقی «خوش و گوارا» بوده و معنای «پاکیزه» یا «حلال» جزو معنای مجازی شمرده شده و بیشتر از این‌که تحلیل مفهومی «طیب» باشد، به مصداق آن توجه دارد. البته باید توجه داشت که از نظر تحقیق حاضر، واژه‌های پیشنهادی «خوش و گوارا»، با واژگان دیگری مثل لذیذ، دل‌پسند،

خوب، مطبوع و هر کلمه‌ای که به نوعی سازگاری با طبع و خوش‌آیندی را می‌رساند، اتحاد مفهومی دارد.

۲- دلایل اخذ مفهوم «خوش و گوارا» در معنای واژه «طیب»

۲-۱- ادله و شواهد از معاجم لغت

غذای طیب در لغت به معنای غذایی گوارا و لذت‌بخش آمده است. ابن‌منظور در این‌باره می‌نویسد: «غذای طیب به غذایی اطلاق می‌شود که خورنده آن از طعمش لذت ببرد. ابن‌سیده گوید: طاب الشیء طیباً و طاباً، به معنای لذت‌بخش و پاکیزه شد»^۱ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۶۳).

وی در معنای واژه اشتطَبناهم چنین نوشته است: «اشتطَبناهم یعنی از آن‌ها آبی گوارا طلب کردیم»^۲ (همان، ج ۱: ۵۶۶).

وی از ابن‌بری چنین نقل کرده که ارض طیبیه به زمینی اطلاق می‌شود که برای رشد گیاه صلاحیت داشته و با آن سازگار است.^۳

صاحب مقایس اللغه در ماده (ل.ذ.ذ) هنگام بررسی معنای لذت، از کلمه طیب استفاده کرده، می‌فرماید: «لذ: لام و ذال اصل صحیح واحدی است که بر گوارایی مزه چیزی دلالت می‌کند. از این باب است اللذة و اللذآة که به معنای گوارایی مزه چیزی می‌باشد»^۴ (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۰۴).

فیومی در مصباح المنیر، معنای طیب را گوارا و حلال معرفی کرده است: «طاب الشیء یطیب طیباً، وقتی گفته می‌شود که چیزی لذیذ یا حلال باشد که به آن شیء، طیب اطلاق می‌شود»^۵ (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۸۲).

به نظر می‌رسد که فیومی در افزودن واژه حلال در کنار لذیذ، مصادیق طیب را ارائه کرده، نه معنای لغوی آن را؛ چون غالب لغویان حلال را در زمره معانی طیب نیآورده‌اند،

بلکه به لحاظ آیات قرآنی، به ویژه آیه ﴿كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾، طیبات به محملات تفسیر شده است.

از دیگر شواهد اخذ معنای خوشی و گوارایی در معنای طیب، استفاده از این کلمه در معنای میل باطنی است. مثلاً گفته می‌شود: «کاری را با طیب نفس انجام دادم». جوهری در این باره می‌گوید: «جمله "و آن کار را با طیب نفس انجام دادم" وقتی به کار می‌رود که کسی تو را بر آن کار مجبور نساخته باشد»^۶ (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۷۳).

معنای مشابه به لذت‌بخش، راحتی عبور غذا از حلق است. تاج العروس چنین معنایی را برای «طعام طیب» در نظر گرفته است: «و طعام طیب به غذایی اطلاق می‌شود که به راحتی از گلو عبور کند»^۷ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۹۱).

۲-۲- تفکیک معنای حقیقی از معنای مجازی

فخر رازی، اصل معنای طیب را لذیذ و گوارا می‌داند. وی بر این عقیده است که اگر طیب به معنای حلال یا پاک استفاده شده، صرفاً از باب تشبیه بوده است. در نتیجه لذیذ، معنای حقیقی طیب بوده و حلال و یا پاکیزه، معنای مجازی است. فخر رازی مطلب مزبور را در چند موضع از تفسیرش بیان کرده است. وی ذیل آیه ﴿قُلْ أَجَلٌ لَّكُمْ الطَّيِّبَاتُ﴾ (مائده/ ۴) چنین نوشته است:

«بدان که طیب در لغت به معنای لذت‌بخش است، البته حلالی که شرع به خوردن آن اذن داده نیز از باب تشبیه به لذیذ، طیب است؛ چون لذیذ و حلال در این که بی‌زیان‌اند، اشتراک دارند، پس ممکن نیست که در این آیه مراد از طیبات، محملات بوده باشد، و گر نه تقدیر آیه چنین می‌شود: "بگو حلال شده است به شما حلال‌شده‌ها!" و پر واضح است که چنین تعبیری بس سخیف است، در نتیجه لازم است که واژه طیبات را به معنای لذت‌بخش دلخواه حمل کنیم. پس تقدیر آیه چنین خواهد شد: "حلال شده به شما هر چه که لذت-بخش و گواراست"» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۲۹۰).

و در جای دیگر ذیل آیه ﴿كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (بقره/ ۱۶۸) می‌گوید: «طیب در لغت گاهی به معنای پاکیزه به کار رفته و به حلال هم، طیب گفته می‌شود؛ چون به خبیث، حرام اطلاق می‌شود. خدای تعالی گوید: "بگو خبیث و طیب برابر نیست." و طیب در اصل به معنای چیز لذت‌بخش است و اگر به معنای پاکیزه و یا حلال به کار رفته، از باب تشبیه بوده است؛ چون هیچ‌کس از خوردن شیء ناپاک و نجس لذت نمی‌برد و حرام نیز لذت‌بخش نیست؛ چون به خاطر نهی شرعی [و ضرر اخروی] گوارایی و لذتی نخواهد داشت» (همان، ج ۵: ۱۸۵).

شیخ طوسی نیز اصل معنای طیب را لذیذ دانسته و دیگر معانی را مجازی می‌داند: «طیب یعنی خالصی که از هر آمیختگی به دور است و آن سه‌گونه است: لذت‌بخش، جایز و پاکیزه. ... و معنای طیب در اصل یکی است و آن عبارت است از لذت‌بخش، الا این‌که در معنای پاکیزه و جایز از باب تشبیه استفاده می‌شود؛ چون چیزی که عقل یا شرع از آن باز می‌دارد، عین همانی است که نفس از تناولش اکراه دارد و آن‌چه که نفس بدان متمایل است به خلاف آن است [عقل و شرع نسبت به آن مانع نیست]» (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۷۱).

۲-۳- اولویت تأسیس نسبت به تأکید

برخی از مفسرین معنای طیب را منحصر در یکی از دو معنای حلال و لذیذ دانسته، بر این باورند، که اگر در ترکیب «حَلالًا طَيِّبًا»، طیب به معنای لذیذ گرفته نشود، پس بایستی به معنای حلال باشد، آن موقع معنای حلال هیچ وجهی جز تأکید حلال اول نخواهد داشت. اما اگر طیب به معنای لذیذ باشد دیگر به این توجیه نیازی نخواهد بود.

شریف لاهیجی در تفسیر ترکیب «حَلالًا طَيِّبًا» می‌گوید: «حَلالًا طَيِّبًا [یعنی] در حالی که حلال پاکست، بهتر آنست که «طیب» را به معنی لذیذ بگیرند تا افاده تأسیس کند نه تأکید، چه، تأسیس اولی از تأکید است» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۴۶).

با این حال طبرسی، صاحب مجمع البیان، هم تأکید بودن طیب را ذکر کرده و هم اخذ لذت را در معنای طیب آورده است، ولی ترجیحی بین این دو نظر نداده؛ چون هر دو نظریه را با کلمه «قیل» ذکر کرده است: «و اما طیب پس گفته شده که آن هم به معنای حلال است و در کنار هم آمدن دو واژه هم معنا مفید تأکید است. و گفته شده که معنای طیب عبارت است از آن چه که مردم آن را گوارا دانسته، از آن در حال و آینده لذت می‌برند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۵۹).

ولی در ذیل آیه ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف/ ۳۲) معنای لذت‌بخش را ترجیح داده است: «و طیبات از رزق گفته شده که به معنای رزق‌های لذیذ است و قول دیگر این است که مراد از آن حلال‌شده‌هاست، ولی اولی آن دو ظاهرتر است؛ چون رزق طیب لذت‌بخش در روز قیامت مخصوص اهل ایمان خواهد بود» (همان، ج ۴: ۶۳۹).

قاضی بیضاوی نیز لذت‌بخش بودن معنای طیب را به این دلیل مستند می‌کند که معنای حلال با واژه «حلالاً» رسانده شده است و دیگر نیازی به تکرار آن نیست: «طیباً یعنی چیزی که شرع آن را طیب می‌داند و یا آن چه که ذوق سلیم آن را گوارا می‌شمرد؛ چون معنای حلال به اول دلالت می‌کند. [معنای حلال مربوط به کلمه حلالاً است که اول و قبل از طیب ذکر شده است]» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۱۸).

۲-۴- دفع محظور ترادف

برخی از مفسران، در آیه ﴿كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طیباً﴾ (بقره/ ۱۶۸) اذعان کرده‌اند که عدم اخذ لذت در معنای طیب، ابتلا به خلاف اصل را در پی خواهد داشت. فاضل مقداد می‌گوید: «حلالاً طیباً دو صفت برای مفعول محذوف‌اند و گفته شده که دو حال از آن‌اند و اراده شده به طیب چیزی که نسبت به طبع دل‌پسند باشد و الا حلال و طیب مترادف خواهند بود و حال آن که اصل عدم ترادف است» (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲: ۸).

توضیح این که اگر طیب به معنای حلال گرفته شود، آن موقع حلال و طیب مترادف خواهند بود، ولی اصل، در دو کلمه‌ای که پشت سر هم می‌آید عدم ترادف است و ترادف، خلاف اصل است. یعنی برای اثبات ترادف نیاز به دلیل است و عدم ترادف بی دلیل پذیرفته می‌شود؛ چون مطابق اصل است.

۲-۵- نظریات مساعد مفسران نسبت به اخذ معنای «خوشی» در «طیب»

مفسران فراوانی در تفسیرشان به معنای «خوشی و گوارایی» یا «لذیذ» در «طیب» تصریح کرده‌اند.

المیزان: «و طیب - مقابل خبیث - آنی است که با نفس و طبع هر چیزی سازگار باشد، مانند "کلمه طیب" که به معنای سخن گوش‌نواز است و "عطر طیب" که به معنای بوی خوش آیند است و "مکان طیب" که به معنای محلی است که با حال متمکن در آن سازگار باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۱۷).

التفسیر الوسیط للقرآن الکریم: «و طیب یعنی آن چه که لذت بخش است و نفس‌های پاک پذیرای آنند و با تناولش انبساط پیدا می‌کنند» (طنطاوی، بی تا، ج ۱: ۳۴۲).

انوار التنزیل و اسرار التأویل: «آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾ (مائده/ ۸۷) یعنی آن چه که طیب است و از آن لذت حاصل شود» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۴۱).

«آیه ﴿وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (یونس/ ۹۳) یعنی به آن‌ها از لذایذ روزی دادیم» (همان، ج ۳: ۱۲۳).

فتح القدیر: «و طیب در این جا به معنای چیزی است که از آن لذت برده شود، همان گونه که شافعی و دیگران گفته‌اند» (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۹۳).

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن: «و مراد به طیبات محللات است، برای آن که خدای تعالی هر کجا ذکر حلال کرد آن را وصف کرد به طیب نحو قوله: ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (مائده/ ۸۷) و "طیب" را تفسیر به پاکیزه کرد و این اختیار جبائی

و طبری است. و بعضی دگر گفتند: مراد به طیبات طعام‌های لذیذ است و "طیب" را تفسیر به لذت کردند، و این اختیار ابوالقاسم بلخی است» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج: ۶: ۲۵۱ - ۲۵۲).
الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل: «طیبات در آیه ﴿مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره/ ۱۷۲) یعنی از لذت‌بخش‌های آن؛ چرا که هرچه خدا آن را روزی کرده است، لزوماً حلال است» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج: ۱: ۲۱۴).
«آیه ﴿وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف/ ۳۲) یعنی لذت‌بخش‌های آن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها» (همان، ج: ۲: ۱۰۱).

تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب: «﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره/ ۵۷) یعنی از آن‌چه باب میل و لذیذی است که روزیتان کرده‌ایم» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج: ۱: ۴۴۶).
فقه القرآن: «این‌که حلال با طیب وصف شد مفید این است که آن لذت‌بخش است چه در حال و چه در آینده» (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۵، ج: ۲: ۲۵۵).
ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین: «و طاب الشیء یطیب زمانی گفته می‌شود که برای قوه حاسه و دل لذتی ایجاد شود. پس اصل معنای طیب عبارت است از آن‌چه که مایه لذت برای حواس و نفوس است» (سیدعلی‌خان کبیر، ۱۴۰۹، ج: ۲: ۲۹۸).

۲-۶- دلیل نقضی

دلیل دیگری که می‌توان بر رد «پاکیزه» دانستن معنای «طیب» ارائه نمود، این است که اگر قرآن به خوردن پاکیزه دستور داده، این اشکال پیش می‌آید، خوردن مطلق پاکیزه، چه در معنای عرفی (نظیف) و چه در معنای شرعی (غیرنجس) جایز نیست. چه بسیار از چیزهایی که پاک‌اند و خوردنشان جایز نیست. اما اگر «طیب» به معنای «خوش و گوارا» گرفته شود، این اشکال پیش نمی‌آید.

البته شاید کسی اشکال کند که هر طعام گوارایی هم حلال نیست. پاسخ این است که اولاً منظور از گوارا، گوارای واقعی است نه گوارای ظاهری. یعنی طعامی که با مزاج انسان

انطباق واقعی دارد، نه انطباقی ظاهری که حاصل خواهش نفس باشد. ثانیاً این آیه درصدد بیان حلیت هر چیز گواراست، مثل اصالت حلیت و یا اصالت طهارت. گویا خداوند متعال می‌خواهد جنبه امتنانی خود را به بندگانش نشان دهد از این رو می‌فرماید هر چیزی که با طبع شما سازگار است، حلالتان باد! من آن را برای شما آفریدم. البته می‌توان تخصیص این قاعده کلی را کاملاً عقلایی دانست. به این بیان که هر گوارایی حلال است، مگر گوارایی که یقین به حرمتش داریم که حلال نیست.

این دلیل با توجه به دیگر مصادیق طیب که در غیر غذا به کار رفته نیز قابل ارائه است؛ چون آنچه که مسلم است اخذ معنای خوشی و گوارایی در مفهوم واژه طیب است و مهم نیست که طیب در غذا به کار رفته یا کلمه، یا رزق و یا نعمت‌های دیگر.

به عبارت دیگر «الطیب فی کل شیء بحسبه»؛ گوارایی هر چیزی مخصوص به خود است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۱) به تعبیر علامه طباطبایی طیب آنی است که با نفس و طبع، سازگار باشد اگر عطر طیب است، یعنی عطری که شامه از آن احساس لذت می‌کند، و اگر کلمه، طیب است، یعنی سخنی که برای شنونده گوش‌نواز است و ... (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۱۷).

نتیجه آن که طیب به معنای خوشی و گوارایی بوده و حلال و یا پاکیزه معنای دقیقی نمی‌باشد.

۳- گونه‌های لفظی «حلال طیب» در قرآن

واژگان «حلال طیب» به صورت‌های زیر در قرآن کریم به کار رفته است:

الف) حَلَالاً طَيِّباً: در چهار آیه قرآن «حَلَالاً طَيِّباً» وارد شده است. به غیر از یک مورد که درباره غنیمت جنگی است، (انفال/ ۶۹) بقیه موارد ناظر به غذاست (بقره/ ۱۶۸؛ مائده/ ۸۸؛ انفال/ ۶۹ و نحل/ ۱۱۴).

ب) **طبیات:** واژه «طبیات» بدون الف و لام در هفت آیه ذکر شده است. به غیر از یک مورد که درباره کسب و درآمد است، (بقره/ ۲۶۷) بقیه موارد صریح در غذاست (بقره/ ۵۷، ۱۷۲، ۲۶۷؛ نساء/ ۱۶۰؛ مائده/ ۸۷؛ اعراف/ ۱۶۰ و طه/ ۸۱).

ج) **الطبیات:** الطبیات به صورت معرفه و با الف و لام در دوازده آیه تکرار شده است، که یکی از آن‌ها درباره غذا و طعام نمی‌باشد، اما یازده آیه دیگر یا صراحتاً درباره طعام هستند، و یا مصداق بارز آن غذا و طعام است^۱ (مائده/ ۴، ۵؛ اعراف/ ۳۲، ۱۵۷؛ انفال/ ۲۶؛ یونس/ ۹۳؛ نحل/ ۷۲؛ اسراء/ ۷۰؛ مومنون/ ۵۱؛ غافر/ ۶۴ و جائیه/ ۱۶).
مجموعاً در ۲۱ آیه، این واژه به صورت‌های پیش گفته ذکر شده است.

۴- بررسی ترجمه‌ها در ۲۱ آیه

برای بررسی ترجمه‌های ارائه شده از «حلال طیب» با استفاده از نرم‌افزار جامع التفاسیر نور، بیش از پنجاه ترجمه فارسی قرآن مورد تحقیق قرار گرفت.
همان‌گونه که گفته شد واژه طیب به صورت‌های سه‌گانه (حلالاً طیباً، طبیات و الطبیات) در ۲۱ آیه قرآن درباره غذا به کار رفته است. اینک ترجمه‌های ارائه شده از این کلمه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) حلالاً طیباً (چهار آیه)

۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً﴾ (بقره/ ۱۶۸)

در این آیه اکثر مترجمان معنای «پاک» را برای واژه «طیب» انتخاب کرده و تنها معدودی از ترجمه‌ها به صورت صریح یا ضمنی به معنای «لذت‌بخش» اشاره کرده‌اند:
«حلال آن بود که عالم فتوی دهد که حلال است، و طیب آن بود که دل گواهی دهد که بی‌وبال است. حلال آن بود که علما گویند بشاید و طیب آن بود که حکما گویند که بیاید» (نسفی).

«ای مردم بعضی از آن چه در زمین است (خوردنی‌ها) را بخورید در حالی که حلال و روا و لذیذ و گوارا ... باشد» (فیض الاسلام).
«ای مردم، از نعمت‌های حلال و گوارا که در زمین است بخورید» (کاویانپور).

۲- ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (مائده / ۸۸)

غیر از ترجمه نسفی همه ترجمه‌ها «طیب» را به معنای «پاک» گرفته‌اند. نسفی نیز صراحتاً معنای «لذیذ» را انتخاب نکرده و آن را بی‌ضرر معنا کرده است:
«و بخوریت^۹ آنچه خدای تعالی روزی کردتان، حلال طیب بی‌بزه و بی‌زیان» (نسفی).

۳- ﴿فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (انفال / ۶۹)

تنها چهار ترجمه در این آیه «طیب» را به معنای «گوارا» دانسته‌اند:
«از هر چه غنیمت گرفتید بخورید حلال و گوارای شما باد» (الهی قمشه‌ای).
«پس از غنائمی که به حلال گرفته بخورید و گوارای بر شما باد» (بروجردی).
«پس اکنون از هر چه غنیمت بیابید بخورید، حلال و گوارای شما باد» (خانی و ریاضی).
«آنچه فراچنگ آورده‌اید، حلال و گوارا بخورید» (طاهری).
البته به غیر از ترجمه آخر در سه ترجمه نخست، ترکیب نحوی «حلالاً طیباً» به دقت معادل‌سازی نشده، و به صورت جمله انشائی معنا شده است، که از این جهت ترجمه دقیقی نخواهند بود.

۴- ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (نحل / ۱۱۴)

در این آیه تنها دو مترجم به معنای «لذت‌بخش» تصریح یا اشاره کرده‌اند:
«پس بخورید از آنچه به شما روزی داده‌ایم حلال و خوش‌آیند» (قرشی).

«پس، از آنچه خداوند روزی شما کرده که حلال شرعی و پاکیزه طبعی است بخورید» (مشکینی).

ب) طیبات (شش آیه)

واژه «طیبات» بدون «ال» در هفت آیه صراحتاً در معنای غذا به کار رفته یا در معنای اعمی به کار رفته که مصداق بارزش غذا است.

۱- ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره / ۵۷)

در این آیه تمامی ترجمه‌ها «طیبات» را به معنای «پاک» ترجمه کرده‌اند و تنها چهار ترجمه آن را به معنای «لذیذ و گوارا» دانسته است:

«می‌خورید از پاک‌های و خوشی‌ها از آنچه شما را روزی کردیم» (مبیدی).

«خورید از پاکیزه‌های حلال‌ها لذیذهای آنچه را که روزی کردیم شما را» (دهم

هجری)

«بخورید از خوش‌آیندهای آنچه که روزیتان کردیم» (قرشی).

«از پاک‌ترین و گواراترین نعمت‌ها که برای شما روزی داده شده است بخورید»

(کاویانپور).

۲- ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره / ۱۷۲)

در این آیه اکثر ترجمه‌ها «طیب» را به معنای «پاک» ترجمه کرده‌اند. برخی نیز آن را معادل حلال دانسته و یا حلال را در کنار پاکیزه آورده‌اند:

«بخورید از حلال آنچه روزی کرده‌ایم شما را» (اسفراینی).

«روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید» (الهی‌قمشه‌ای).

«از چیزهای پاک و پاکیزه (حلال و روا) که به شما روزی دادیم بخورید» (فیض‌الاسلام).

«از آنچه به شما روزی کرده‌ایم بخورید به شرط آن که طیب و پاک باشد (یعنی

حلال باشد و مال غیر نباشد و از آنچه حرام کرده‌ایم نباشد)» (میرزاخسروانی).

«ای اهل ایمان! روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم، بخورید» (خانی و ریاضی).

«روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کردیم بخورید» (ترجمه جوامع الجامع).
«شما که مؤمنید! از چیزهای حلالی که روزیتان کرده‌ایم بخورید» (خواجوی).
«از نعمت‌های پاک و حلالی که روزی شما قرار داده‌ایم، بخورید» (صفارزاده).
در این میان از بین ترجمه‌ها فقط سه ترجمه، «طیب» را به معنای «لذیذ و گوارا» دانسته است:

«بخوریت از حلال‌های بی‌شبهت، و خوشی‌های بی‌آفت، از آن چه روزی کردم‌تان» (نسفی).

«از روزی‌های پاکیزه و گوارا که نصیب شما کردیم بخورید» (صادق نویری).
«از نعمت‌های پاک و گوارا که برای شما روزی داده‌ایم بخورید» (کاویانپور)

۳- ﴿فَبُظْلَمَ مِنَ الدِّينِ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ﴾ (نساء / ۱۶۰)

اکثر ترجمه‌های قدیمی «طیب» را در این آیه به معنای «گوارا» دانسته‌اند و از ترجمه‌های معاصر تنها قرآنی، چنین ترجمه کرده است. در حالی که بقیه ترجمه‌ها «طیب» را به معنای «پاک» گرفته‌اند:

«پس به ظلمی از آن کسانی که جهود گشته‌اند حرام بکردیم برایشان خوشی‌هایی که حلال بکرده بودند ایشان را» (اسفراینی).

«به بیدادی از آنان که جهود شدند حرام کردیم برایشان خوشی‌ها که حلال بود ایشان را» (ابوالفتوح رازی).

«حرام کردیم برایشان، خوشی‌هایی را که حلال کرده شده بود برایشان» (نسفی).

«حرام کردیم برایشان خوش‌ها را که حلال کرده شده بود برایشان را» (دهم هجری).

«ما چیزهای پاک و دل‌پسندی را که قبلاً برایشان حلال بود، بر آنان حرام کردیم»

(قرآنی).

۴- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾ (مائده / ۸۷)

از میان ترجمه‌ها تنها هفت ترجمه «طیب» را به معنای «گوارا» دانسته است: «ای آن کسانی که ایمان آورده‌اید حرام مکنید خوشی‌هایی که حلال بکرده است خدای تعالی شما را» (اسفراینی). «ای مؤمنان حرام مکنید بر خویشتن خوشی‌های آن چه خدای تعالی بر شما حلال کرد» (نسفی).

«ای مومنان حرام مکنید لذائذ آن چه خدا حلال ساخته است شما را» (دهلوی). «ای مسلمانان! (بر خودتان) حرام مکنید چیزهای پاکیزه و لذیذ را که خدا برای شما حلال ساخته است» (بلاغی). «ای اشخاصی که ایمان دارید اشیاء لذیذ و پاکیزه‌ای را که خداوند تعالی حلال نموده است به خودتان حرام نکنید» (صادق نوبری). «حرام نسازید لذاتی را که خدا بر شما: حلال و طیب قرار داده است» (میرزاخسروانی). «ای مؤمنان، لذائذ چیزهایی را که خداوند برای شما حلال نموده است حرام مشمارید» (انصاری).

۵- ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (اعراف / ۱۶۰)

اکثر ترجمه‌ها «طیب» را به معنای «پاک» گرفته و خواجوی آن را معادل «حلال» دانسته است:

«آن چه از حلال که روزیتان دادیم بخورید» (خواجوی). «میرزاخسروانی «لذیذ» را به صورت ضمنی مورد اشاره قرار داده است: «از غذاهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و لذت ببرید» (میرزاخسروانی). اما تنها پنج ترجمه به دقت «طیب» را به معنای «لذیذ و گوارا» دانسته است: «بخورید از خوش‌های آن چه روزی کنم شما را» (ابوالفتوح رازی).

«گفتیم میخورید از این خوش‌ها که شما را روزی دادیم» (مبیدی).
«گفتیم بخوریت از این خوشی‌ها که روزی کردیم‌تان» (نسفی).
«از لذیذ و پاکیزه قوتی که روزیتان کردیم تناول کنید» (الهی قمشه‌ای).
«و قوتی لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم» (خانی و ریاضی).

۶- ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (طه / ۸۱)

در این آیه نیز برخی «طیب» را با «حلال» مرادف دانسته‌اند:
«بخورید از حلال‌ها و پاکیزه آنچه روزی کردیم شما را» (طبری).
«بخورید از حلال‌ها که ما شما را روزی کرده‌ایم» (اسفراینی).
«(و دستور دادیم که) از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم تناول کنید»
(الهی قمشه‌ای).
«(و گفتیم) از خوراک‌های پاک و حلال که برای شما روزی کرده‌ایم بخورید»
(میرزاخسروانی).

«گفتیم: بخورید از چیزهای پاکیزه و حلال، آنچه به شما روزی دادیم» (یاسری).
در این میان تنها شش ترجمه «طیب» را به معنای «لذیذ» دانسته است:
«بخورید از خوشی‌ها آنچه روزی کردیم شما را» (ابوالفتوح رازی).
«می‌خورید از این پاک‌ها [و خوش‌ها و حلال‌ها] که شما را روزی دادیم» (مبیدی).
«و گفتیم‌شان بخوریت از خوشی‌ها و حلال‌ها آنچه روزی دادیم‌تان» (نسفی).
«گفتیم بخورید از لذائذ آنچه روزی دادیم شما را» (دهلوی).
«پس از این خوراکی‌های لذیذ بخورید که روزی شما کردیم» (عاملی).
«از خوردنی‌های پاکیزه [و مطبوع] که روزی شما نمودیم، بخورید» (انصاریان).

ج) الطیبات (بازده آیه)

۱- ﴿قُلْ أَجَلٌ لَّكُمْ الطَّيِّبَاتُ﴾ (مائده / ۴)

«یا محمد به آن‌ها بگو هر چیز پاک و پاکیزه به شما حلال است (هر چیزی که شخص، قبل از علاقه، از آن متنفر نشود، و به حرام شدن آن در قرآن و حدیث نبوی دلیل نباشد آن چیز پاک و حلال است و هر چیزی که انسان قبل از علاقه به آن از خوردنش متنفر گشت مثلاً حشرات الارض و یا اغلب حیواناتی که در صحرا هستند حرام و خبیث می‌باشند.)» (صادق نوبری).

«بگو آنچه پاکیزه و پسند است حلال بر شما است» (عاملی).

«بگو: «هر خوردنی خوب و پاکیزه» (صفارزاده).

«بگو پاکیزه‌ها (طبع پسندها) برای شما حلال گشته» (قرشی).

«بگو، آنچه طیب است (پاک و خوبست) برای شما حلال شده است» (کاویانپور).

«بگو: همه پاکیزه‌ها (هرچه که مطلوب عقل و مرغوب طبع باشد از خوراکی و

پوشاکی و سایر وسایل زندگی) بر شما حلال گردیده» (مشکینی).

۲- ﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ﴾ (مائده / ۵)

«امروز حلال کرده شد بر شما خوشی‌ها» (نسفی).

«امروز هر چیز که پاکیزه باشد و طبع از آن متنفر نباشد و جزو خبائث به شمار نرود و

طیب محسوب گردد برای شما حلال است» (میرزاخسروانی).

«امروز، همه‌ی چیزهای پاک و دل‌پسند برای شما حلال شده است» (قرائی).

۳- ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ ... وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف / ۳۲)

«گوی که حرام کرد ... این شیرینی‌ها و خوشی‌ها از روزی که ساخت؟» (مبیدی).

«بگوی یا محمد کی حرام کرد ... از روزی‌ها طعام خوش بمزه گواران را؟» (نسفی).

«بگوی، که حرام کرد ... خوش‌ها حلال‌ها و پاک‌ها را از روزی؟» (دهم هجری).

«کی حرام و ناروا کرده است ... روزی‌های خوب و پاکیزه را؟» (عاملی).

«بگو چه کسی ... طیبات یعنی لذائذ پاکیزه روزی خداوندی را منع نموده است؟»
(میرزاخسروانی).

«بگو: چه کسی ... خوردنی‌های خوش طعم را حرام کرده است؟» (آیتی).

«بگو: چه کسی ... رزق‌های پاکیزه و دل‌پسند را بر خود حرام کرده است؟» (قرائتی).

۴- ﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ﴾ (اعراف / ۱۵۷)

«و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال می‌گرداند» (الهی قمشه‌ای).

«برای مردم خوردنی‌های پاک را حلال می‌کند. (چیزهایی که قبل از عادت، طبیعت انسان آن‌ها را قبول می‌کند.)» (صادق نوبری).

«و خوبی‌ها برای‌شان حلال ...» (عاملی).

«و پاکیزه‌ها (خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های نیکو) را برای ایشان حلال و روا می‌سازد»
(فیض‌الاسلام).

«و برای آن‌ها طیبات (یعنی آن‌چه را ذوق‌های سلیم آن را پاکیزه و بی‌زیان می‌داند)
حلال می‌سازد» (میرزاخسروانی).

«و آن‌چه را پاکیزه و پسندیده است برایشان حلال می‌کند» (قرائتی).

«بر آنان نماید حلال آن طعام / که پاکیزه است و خوش آید به‌کام» (مجد).

۵- ﴿وَرَزَقْنَاكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (انفال / ۲۶)

«و شما را روزی داد از خوشی‌ها» (مبیدی).

«و روزی دادتان خوش و حلال از غنیمت‌ها» (نسفی).

«و ز هر خوب و پاکیزه روزی شما کرد» (عاملی).

«و از غنائم حلال و لذائذ طعام به شما روزی بخشید» (میرزاخسروانی).

۶- ﴿وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (یونس / ۹۳)

«و روزی دادیم شان طعام‌های خوش» (نسفی).
«و روزی دادیم ایشان را از پاک‌ها و خوش‌ها» (دهم هجری).
«به آن‌ها از چیزهای پاکیزه و لذیذ روزی دادیم» (صادق نوبری).
«و ز آنچه خوب و پسند بود روزی ایشان کردیم» (عاملی).
«و از پاکیزه‌ها (خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های گوارا) روزی دادیم» (فیض‌الاسلام).
«و از غذاها و میوه‌های لذیذ و طیبی آن‌ها را روزی و وسعت رزق بخشیدیم»
(میرزاخسروانی).
«و از نعمت‌های پاکیزه و خوب، رزق و روزی نصیبشان فرمودیم» (صفا رزاده).

۷- ﴿وَرَزَقْنَاكَ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (نحل / ۷۲)

«و روزی کرد شما را از پاکیزگان یعنی هرچه شیرین‌تر و خوش‌تر» (طبری).
«و روزی داد شما را از چیزهای خوش حلال» (اسفراینی).
«و شما را روزی داد از پاک‌ها و خوش‌ها» (مبیدی).
«و از خوردنی‌های خوش‌تان روزی فراوان داد» (نسفی).
«و روزی داد شما را از پاک‌ها و خوش‌ها» (دهم هجری).
«و از نعمت‌های پاکیزه لذیذ روزی داد» (الهی قمشه‌ای).
«از میوه‌جات پاک و پاکیزه و از گوشت‌های لذیذ حیوانات، و آب‌های خوب و گوارا
خداوند تعالی به شما روزی داد» (صادق نوبری).
«انواع خوراک‌های خوب نصیب کرد» (عاملی).
«و شما را از چیزهایی که پاکیزه (گوارا) است روزی داد» (فیض‌الاسلام).
«و از لذایذ و مواد پاکیزه و حلال شما را روزی فرمود» (میرزاخسروانی).
«و از چیزهای خوش و پاک روزیتان داد» (آیتی).
«و از نعمت‌های پاکیزه و دلپذیر به شما روزی داد» (انصاریان).
«و از نعمت‌های پاکیزه‌ی لذیذ روزی داد» (خانی و ریاضی).

«و از چیزهای خوب و حلال و پاکیزه به شما رزق و روزی عنایت فرمود» (صفا زاده).

۸- ﴿وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (اسراء / ۷۰)

«و روزی کردیم ایشان را از طعام‌های خوش» (اسفراینی).

«و روزی دادیم ایشان را از خوشی‌ها حلال» (ابوالفتح رازی).

«و روزی دادیم ایشان را از پاک‌ها و خوش‌ها» (مبیدی).

«و روزی دادیم‌شان، از خوشی‌ها» (نسفی).

«و روزی دادیم ایشان را از پاک‌ها و خوش‌ها» (دهم هجری).

«و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم» (الهی قمشه‌ای).

«به اولاد آدم از چیزهای لذیذ و پاک روزی داده‌ایم» (صادق نوبری).

«تا از خوشی‌های زندگی بهره‌مند شد» (عاملی).

«و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم» (موسوی همدانی ترجمه میزان).

«و انواع نعم طیبه (از میوه‌ها و سایر لذایذی که فقط مختص بنی آدم است) روزی

کردیم» (میرزاخسروانی).

«و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم» (آیتی).

«و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم» (خانی و ریاضی).

«و آن‌ها را از انواع پاکیزه‌ها (چیزهایی که مایلیم طبع آن‌هاست) روزی کردیم»

(مشکینی).

۹- ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ (مؤمنون / ۵۱)

«ای پیغمبران از روزی‌های پاک (آنهایی که قبل از عادت، طبیعت انسان از آن متنفر نشود)

بخورید و به اعمال صالح بپردازید» (صادق نوبری).

«ای پیامبران بخورید از آنچه پاک و طیب است (یعنی از آنچه لذت بخش و از

مباحات است) و کار شایسته بجای آورید» (میرزاخسروانی).

«ای پیامبران، از چیزهای پاکیزه و خوش بخورید و کارهای شایسته کنید» (آیتی).
«ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه (و پسندیده) بخورید و کار نیکو انجام دهید» (قرائتی).

۱۰- ﴿وَرَزَقْنَاكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (غافر / ۶۴)

«و روزی داد شما را از خوشی‌ها» (ابوالفتوح رازی).
«و شما را از خوشی‌ها و پاکی‌ها روزی داد» (مبیدی).
«و روزی کردتان از خوشی‌ها» (نسفی).
«و روزی داد شما را از پاک‌ها و خوش‌ها» (دهم هجری).
«و از غذاهای لذیذ خوش به شما روزی داد» (الهی قمشه‌ای).
«و از روزی‌های پاکیزه (آنهایی که انسان قبل از عادت از آن متنفر نمی‌شود) برای شما روزی قرار داد» (صادق نوبری).

«و از آنچه خوب و پاکیزه است روزیتان داده است» (عاملی).
«و از چیزهای پاکیزه (گوارا و خوش مزه) شما را روزی داده» (فیض الاسلام).
«و از چیزهای پاکیزه و خوش روزیتان داد» (آیتی).
«و از چیزهای پاکیزه [ای که با طبیعت شما هماهنگ است] به شما روزی داد» (انصاریان).

«و از چیزهای پاکیزه و خوش به شما روزی داد» (پورجوادی).
«و از بهترین غذاهای لذیذ به شما روزی داد» (حجتی).
«و از خوراکی‌های خوب و پاکیزه و حلال رزق و روزی نصیبتان فرمود» (صفا رزاده).

۱۱- جائیه / ۱۶: ﴿وَرَزَقْنَاَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾

«و روزی کردیم ایشان را از پاکی‌ها و خوشی‌ها» (طبری).
«و روزی دادیم ایشان را از چیزهای پاکیزه خوش» (ابوالفتوح رازی).
«و روزی دادیم ایشان را از پاک‌ها و خوش‌ها» (مبیدی).

- «و روزی دادیمشان خوشی‌ها در تیه من و سلوی» (نسفی).
- «و از هر روزی لذیذ و حلال نصیب آن‌ها گردانیدیم» (الهی‌قمشه‌ای).
- «از روزی‌های حلال و روزی‌هایی که نفس قبل از عادت از آن متنفر نمی‌شود به آن‌ها روزی دادیم» (صادق نوبری).
- «و از خوشی‌های زندگی بهره‌مندشان کردیم» (عاملی).
- «و از انواع نعمات پاکیزه و لذائذ به آن‌ها روزی کردیم» (میرزاخسروانی).
- «و از چیزهای پاکیزه و خوش‌رویشان کردیم» (آیتی).
- «و از (خوردنی‌های) پاکیزه و دل‌پسند روزی کردیم» (قرائتی).

۴-۱- جدول نتایج بدست آمده

درصد ترجمه‌های ارائه شده از مترجمان در بیست و یک آیه مورد اشاره، به قرار زیر است. مثلاً ترجمه نسفی از بیست و یک آیه، پانزده بار، «طیب» را به معنای «لذیذ و گوارا» یا معنایی مشابه با آن گرفته است. در نتیجه از نظر تحقیق حاضر، نسفی در ترجمه این کلمه بیشترین دقت را داشته است.

۱- جدول درصد دقت مترجمان در ترجمه کلمه طیب

مترجم	تعداد	درصد	مترجم	تعداد	درصد
نسفی	۱۵	٪ ۷۱,۴۲	کاویانپور	۴	٪ ۱۹,۰۴
عاملی	۱۱	٪ ۵۲,۳۸	مشکینی	۳	٪ ۱۴,۲۸
صادق نوبری	۱۰	٪ ۴۷,۶۱	دهلوی	۳	٪ ۱۴,۲۸
میرزاخسروانی	۱۰	٪ ۴۷,۶۱	خانی و ریاضی	۳	٪ ۱۴,۲۸
میبیدی	۹	٪ ۴۲,۸۵	قرشی	۳	٪ ۱۴,۲۸
رازی	۷	٪ ۳۳,۳۳	ترجمه طبری	۲	٪ ۹,۵۲
دهم هجری	۷	٪ ۳۳,۳۳	بلاغی	۱	٪ ۴,۷۶
الهی قمشه‌ای	۶	٪ ۲۸,۵۷	موسوی	۱	٪ ۴,۷۶
آیتی	۶	٪ ۲۸,۵۷	انصاری	۱	٪ ۴,۷۶
قرائتی	۶	٪ ۲۸,۵۷	بروجردی	۱	٪ ۴,۷۶
فیض الاسلام	۵	٪ ۲۳,۸۰	پورجوادی	۱	٪ ۴,۷۶
اسفراینی	۴	٪ ۱۹,۰۴	حجتی	۱	٪ ۴,۷۶
انصاریان	۴	٪ ۱۹,۰۴	طاهری	۱	٪ ۴,۷۶
صفارزاده	۴	٪ ۱۹,۰۴	مجدد	۱	٪ ۴,۷۶

در مقابل، ترجمه‌هایی وجود دارند که در تمامی موارد بیست و یک گانه، «طیب» را به معنای «پاک و پاکیزه» گرفته‌اند:

۱. بانوی اصفهانی، ۲. رهنما، ۳. شعرانی، ۴. صفی علیشاه، ۵. معزی، ۶. نجفی، ۷. ارفع، ۸. اشرفی، ۹. برزی، ۱۰. پاینده، ۱۱. جوامع‌الجامع، ۱۲. تشکری، ۱۳. ثقفی، ۱۴. جعفری، ۱۵. حلبی، ۱۶. خواجه‌ای، ۱۷. رضایی اصفهانی، ۱۸. سراج، ۱۹. فارسی، ۲۰. فولادوند، ۲۱. مجتبیوی، ۲۲. مصباح‌زاده، ۲۳. مصطفوی، ۲۴. مکارم‌شیرازی، ۲۶. موسوی‌گرمارودی و ۲۷. یاسری.

هرچند این عده از مترجمان از نظر تحقیق حاضر، ترجمه دقیقی از کلمه طیب ارائه ننموده‌اند، اما وحدت رویه‌شان ستودنی است.

۵- وصفیت طیب به حلال در ترجمه «حلالاً طیباً»

از دیگر مواردی که جای بررسی دارد، وصف بودن طیب برای حلال در ترجمه «حلالاً طیباً» است. آنچه که در کتب اعراب‌القرآن درباره ترکیب نحوی طیب در «حلالاً طیباً» آمده، صفت بودن طیب، برای حلال است (عکبری، بی‌تا، ج ۱: ۴۶؛ دعاس حمیدان قاسم، ۱۴۲۵، ج ۱: ۷۰ و درویش محی الدین، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۳۵). در نتیجه بایستی ترکیب «حلالاً طیباً» به صورت «روای گوارا» یا حداقل «حلال پاکیزه» ترجمه شود. در صورتی که اکثر مترجمان به نقش تابع بودن «طیب» به «حلال» توجه نکرده، آن را با حرف عطف «واو» به حلال عطف کرده‌اند.

۵-۱- بررسی ترجمه‌ها در رعایت وصفیت «طیب» برای «حلال»

همان‌گونه که گذشت، ترکیب «حلالاً طیباً» در چهار آیه قرآن وارد شده است، از این رو بحث در این چهار آیه ارائه می‌شود:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ (بقره / ۱۶۸)

ترجمه‌هایی که از حرف عطف واو استفاده نکرده‌اند عبارتند از:

طبری، اسفراینی، ابوالفتوح رازی، میبیدی، نسفی، دهم هجری، دهلوی، شعرانی، صفی‌علیشاه، معزی، اشرفی، انصاری، ثقفی، فارسی و مصباح‌زاده.

۲- ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ (مائده / ۸۸)

ترجمه‌هایی که از حرف عطف واو استفاده نکرده‌اند عبارتند از:

طبری، ابوالفتوح رازی، میبیدی، نسفی، دهم هجری، دهلوی، رهنما، شعرانی، صفی‌علیشاه، معزی، اشرفی، انصاری، ثقفی و مصباح‌زاده.

۳- ﴿فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ (انفال / ۶۹)

ترجمه‌هایی که از حرف عطف واو استفاده نکرده‌اند عبارتند از:

طبری، اسفراینی، ابوالفتوح رازی، میبیدی، نسفی، دهم هجری، دهلوی، شعرانی، صفی‌علیشاه، معزی، اشرفی، انصاری، ثقفی، فارسی و مصباح‌زاده.

در یک ترجمه حرف عطف واو داخل [] قرار گرفته، اما در موارد دیگر این کار از سوی مترجم مزبور رعایت نشده و وحدت رویه، محقق نشده است. ترجمه مزبور چنین است: «در حالی که حلال [و] پاکیزه است» (رضایی).

۴- ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ (نحل / ۱۱۴)

ترجمه‌هایی که از حرف عطف واو استفاده نکرده‌اند عبارتند از:

ابوالفتوح رازی، میبیدی، دهم هجری، دهلوی، رهنما، شعرانی، صفی‌علیشاه، عاملی، معزی، اشرفی، انصاری، ثقفی، حلبی، فارسی و مصباح‌زاده.

در دو ترجمه حرف عطف واو داخل [] قرار گرفته است:

«در حالی که حلال [و] پاکیزه است» (رضایی).

«حلال [و] پاکیزه» (فولادوند).

ولی در آیات دیگر واو بدون علامت کروشیه آورده شده و در نتیجه وحدت رویه محقق نشده است.

۵-۲ جدول استفاده یا عدم استفاده از حرف عطف «واو»

جدول رعایت استفاده نکردن از حرف عطف واو در «حلالاً طیباً» به قرار زیر است:

۲- جدول درصد دقت مترجمان در وصفیت طیب به حلال

ردیف	مترجم	۱	۲	۳	۴	تعداد	درصد
۱.	رازی	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۲.	میدی	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۳.	دهم هجری	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۴.	دهلوی	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۵.	شعرانی	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۶.	صفی عیشاه	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۷.	تقفی	✓	✓	✓	✓	۴	٪۱۰۰
۸.	ترجمه طبری	✓	✓	✓		۳	٪۷۵
۹.	نسفی	✓	✓	✓		۳	٪۷۵
۱۰.	معزی	✓	✓	✓		۳	٪۷۵
۱۱.	اشرفی	✓	✓	✓		۳	٪۷۵
۱۲.	انصاری	✓	✓	✓		۳	٪۷۵
۱۳.	مصباح زاده	✓	✓	✓		۳	٪۷۵
۱۴.	اسفراینی	✓		✓		۲	٪۵۰
۱۵.	رهنما		✓		✓	۲	٪۵۰
۱۶.	فارسی	✓		✓		۲	٪۵۰
۱۷.	عاملی				✓	۱	٪۲۵

سی و هفت ترجمه در همه چهار مورد از حرف عطف واو استفاده کرده است.^{۱۰}

۶- نتیجه گیری

۱- از نظر این پژوهش ترجمه «خوش و گوارا» معنای دقیق و حقیقی «طیب» بوده و با دلایلی چند، قابل اثبات است، در صورتی که معنای «پاکیزه» معنای غیردقیق و مجازی این ترکیب است.

۲- واژه «طیب» در آثار مترجمان اکثراً به «پاکیزه» و بعضاً به «خوش و گوارا» ترجمه شده است. از ۲۱ آیه مورد بحث، ترجمه نسفی بیشترین دقت را در آیات داشته و در ۱۵ آیه، «طیب» را به معنای «خوش و گوارا» ترجمه کرده است.

۳- مقایسه ترجمه‌های قرآن از دو جهت حائز اهمیت است: یکی این که، یک واژه در آثار مترجمان چگونه ترجمه شده است. دوم این که تکرار یک واژه در یک اثر چگونه منعکس شده است. با یک نگاه طولی و عرضی می‌توان به این دو مهم دست یافت. به نظر می‌رسد برخی از مترجمان چنین دقت‌هایی در ترجمه آیات قرآن داشته‌اند، از این رو کارشان به خاطر رعایت وحدت رویه، تحسین برانگیز است.

۴- ترکیب «حلال طیب» در چهار آیه قرآن مورد بررسی قرار گرفت. در اکثر ترجمه‌ها این ترکیب به همراه واو عطف و به صورت «حلال و پاکیزه» یا «حلال و گوارا» ترجمه شده، در صورتی که به لحاظ نحوی، «طیب» صفت «حلال» بوده و بایستی به صورت «حلالِ گوارا» ترجمه شود. هفت مترجم در هر چهار آیه، دقت مزبور را به کار بسته و نقش صفتی طیب را در ترجمه‌اشان نشان داده‌اند:

رازی، میبدی، ترجمه قرن دهم هجری، دهلوی، شعرانی، صفی‌علیشاه و تقفی. ده مترجم در برخی آیات با واو و در برخی بدون واو ترجمه کرده‌اند و سی و هفت مترجم در همه چهار آیه واو را در ترجمه ذکر کرده و دقت مزبور را به کار بسته‌اند.

۷- پیشنهاد

پژوهش حاضر ترکیب «حلالا طیبا» را با محوریت معنای طیب در گوارایی و وصف بودن طیب به حلال مورد بررسی قرار داد. پیشنهاد می‌شود ترکیب مزبور به لحاظ مبانی نحوی، نظیر حال یا صفت برای مفعول مطلق محذوف، انشائی یا اخباری بودن این ترکیب و ... مورد عنایت محققان گرامی قرار گرفته، ترجمه‌ها از این زاویه نیز مورد بررسی قرار گیرند.

۸- پی‌نوشت

- ۱- و طعامٌ طَيِّبٌ: للذي يَسْتَلِدُّ الأَكْلُ طَعْمَهُ. ابن سيدة: طَابَ الشَّيْءُ طَيِّباً و طَاباً: لَدٌّ و زَكَاً.
- ۲- اسْتَطْبَاهُمْ: سَأَلْنَاهُمْ مَاءً عَذْباً.
- ۳- و في الصحاح: الطَّيِّبُ خِلافَ الخَبِيثِ قال ابن بري: الأمر كما ذكر، إلا أنه قد تتسع معانيه، فيقال: أرضٌ طَيِّبَةٌ للتي تَصْلُحُ للنبات.
- ۴- لذ: اللام و الذال أصل صحيحٌ واحدٌ يدلُّ على طَيِّبٍ طَعْمٍ في الشَّيْءِ. من ذلك اللَّذَّةُ و اللَّذَادَةُ: طَيِّبٌ طَعْمٍ الشَّيْءِ.
- ۵- طاب الشيء يطيب طيبا اذا كان لذيذا او حلالا فهو طيب.
- ۶- و فعلت ذاك بطيبة نفسي، اذا لم يكرهك عليه احد.
- ۷- و طَعَامٌ طَيِّبٌ إِذَا كَانَ سَائِغاً في الحَلْقِ.
- ۸- در قرآن موارد فراوانی واژه اکل (خوردن) به کار رفته است. در برخی از موارد منظور از آن خوردن حقیقی نیست، بلکه معنای اعمی مثل بهرمند شدن و استفاده کردن منظور است، مثل واژه حرام‌خواری در فرهنگ فارسی که به خوردن اختصاص ندارد، اما چرا برای معنای بهرمند شدن و استفاده کردن از واژه اکل و خوردن استفاده می‌شود بدین خاطر است که مصداق بارز بهرمندی، خوردن است. از این رو هر جا کلمه اکل و خوردن به کار می‌رود، یا ناظر است به غذا و یا ناظر به معنای اعمی است که مصداق بارزش غذاست. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «منظور از اکل اموال مردم، گرفتن آن و یا مطلق تصرف در آن است، که به‌طور مجاز خوردن مال مردم نامیده می‌شود، مصحح این اطلاق مجازی آن است که خوردن نزدیک‌ترین و قدیمی‌ترین عمل طبیعی است که انسان محتاج به انجام آن است، برای این که آدمی از اولین روز پیدایش اولین حاجتی که احساس می‌کند، و اولین عملی که بدان مشغول می‌شود تغذی است، سپس رفته رفته به حواجی دیگر طبیعی خود از قبیل لباس و مسکن و ازدواج پی می‌برد، پس اولین تصرفی که از خود در مال

احساس می‌کند همان خوردن است، و به همین جهت هر قسم تصرف و گرفتن و مخصوصا در مورد اموال را خوردن مال می‌نامند، و این اختصاص به لغت عرب ندارد، زبان فارسی و سایر لغات نیز این اصطلاح را دارند». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۷۳ - ۷۴)

۹- نسفی در ترجمه خود ۳۱ بار این واژه (بخوریت) را به‌کار برده و از منظر کتابت، آن را به‌صورت «بخورید» نگاشته است.

۱-۱۰. الهی قمشه‌ای، ۲. بانوی اصفهانی، ۳. بلاغی، ۴. صادق نوبری، ۵. فیض الاسلام، ۶. موسوی، ۷. میرزاخسروانی، ۸. نجفی، ۹. آیتی، ۱۰. ارفع، ۱۱. انصاریان، ۱۲. برزی، ۱۳. بروجردی، ۱۴. پاینده، ۱۵. پورجوادی، ۱۶. جوامع الجامع، ۱۷. تشکری، ۱۸. جعفری، ۱۹. حجتی، ۲۰. حلبی، ۲۱. خانی و ریاضی، ۲۲. خواجوی، ۲۳. رضایی اصفهانی، ۲۴. سراج، ۲۵. صفارزاده، ۲۶. طاهری، ۲۷. فولادوند، ۲۸. قرائتی، ۲۹. قرشی، ۳۰. کاویانپور، ۳۱. مجتبی، ۳۲. مجد، ۳۳. مشکینی، ۳۴. مصطفوی، ۳۵. مکارم شیرازی، ۳۶. موسوی گرمارودی و ۳۷. یاسری.

۹- منابع

*قرآن کریم

منابع عربی

- ۱- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: هارون عبدالسلام محمد، ط ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۳- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، ط ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).
- ۴- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، ط ۱، بیروت، دار الفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۵- درویش محیی الدین، اعراب القرآن و بیانه، سوریه، دارالارشاد، (۱۴۱۵ق).
- ۶- دعاس حمیدان قاسم، اعراب القرآن الکریم، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، (۱۴۲۵ق).
- ۷- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ط ۳، بیروت، دار الکتب العربی، (۱۴۰۷ق).

- ۸- سید علیخان کبیر، شرح صحیفه سید الساجدین، تحقیق: محسن حسینی امینی، ط ۱، قم، انتشارات جامعه مدرسین، (۱۴۰۹ق).
- ۹- شوکانی، محمد بن علی، فتح القادیر، ط ۱، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب، (۱۴۱۴ق).
- ۱۰- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ط ۵، قم، انتشارات جامعه مدرسین، (۱۴۱۷ق).
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ط ۳، تهران، انتشارات ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۱۲- طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی مک، بی نا، (بی تا).
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، محقق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (بی تا).
- ۱۴- عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، عمان و ریاض: بیت الافکار الدولیه، (بی تا).
- ۱۵- فاضل مقداد، جمال الدین، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سید محمد قاضی، بی جا، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (۱۴۱۹ق).
- ۱۶- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ط ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۱۷- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ط ۲، قم، موسسه دار الهجرة، (۱۴۱۴ق).
- ۱۸- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، ط ۲، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، (۱۴۰۵ق).
- ۱۹- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، ط ۱، تهران، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).
- ۲۰- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۶۰ش).

منابع فارسی

- ۲۱- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: دکتر محمدجواد یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، (۱۴۰۸ق).

۲۲- ارفع، سیدکاظم، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).

۲۳- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تحقیق: نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، ط ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۷۵ش).

۲۴- اشرفی تبریزی، محمود، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انتشارات جاویدان، (۱۳۸۰ش).

۲۵- انصاری، خوشایر مسعود، ترجمه قرآن، ویراستار: بهاء‌الدین خرّمشاهی، ط ۱، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، (۱۳۷۷ش).

۲۶- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، ط ۱، قم، انتشارات اسوه، (۱۳۸۳ش).

۲۷- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، ط ۴، تهران، انتشارات سروش، (۱۳۷۴ش).

۲۸- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، (۱۳۶۱ش).

۲۹- برزی، اصغر، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).

۳۰- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، ط ۶، تهران، انتشارات صدر، (۱۳۶۶ش).

۳۱- بلاغی، سید عبدالحجّت، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، انتشارات حکمت، (۱۳۸۶ق).

۳۲- پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن، بی نا، بی مک و (بی تا).

۳۳- پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن، ویراستار: بهاء‌الدین خرّمشاهی، ط ۱، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).

۳۴- تشکری آرانی، شهاب، ترجمه قرآن، بی مک، بی نا، (بی تا).

۳۵- تقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ط ۳، تهران، انتشارات برهان، (۱۳۹۸ق).

۳۶- جعفری، یعقوب، کوثر، بی جا، بی نا، (بی تا).

۳۷- حجّتی، سید مهدی، گلی از بوستان خدا، ط ۶، قم، انتشارات بخشایش، (۱۳۸۴ش).

۳۸- حلبی، علی اصغر، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انتشارات اساطیر، (۱۳۸۰ش).

۳۹- خانی، رضا و ریاضی، حشمت الله، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، ط ۱، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، (۱۳۷۲ش).

۴۰- خواجهی محمد، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انتشارات مولی، (۱۴۱۰ق).

- ۴۱- دهلوی، شاه ولی الله، ترجمه قرآن، تحقیق: عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی، ط ۱، مدینه، مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف، (۱۴۱۷ق).
- ۴۲- رستمیان، مرضیه، بررسی واژه طیب با توجه به مراحل معناشناختی واژه، چاپ شده در مجموعه قرآن و ادب (۲)، ط ۱، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۷ش).
- ۴۳- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، ترجمه قرآن، ط ۱، قم، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۴۴- رهنما زین العابدین، ترجمه و تفسیر رهنما، تهران، انتشارات کیهان، (۱۳۴۶ش).
- ۴۵- سراج، رضا، ترجمه قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، (بی‌تا).
- ۴۶- شریف لاهیجی، محمدبن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق: میر جلال الدین ارموی، ط ۱، تهران، دفتر نشر داد، (۱۳۷۳ش).
- ۴۷- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انتشارات اسلامیة، (۱۳۷۴ش).
- ۴۸- صادق نویری، عبد المجید، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انتشارات اقبال، (۱۳۹۶ق).
- ۴۹- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، ط ۲، تهران، موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، (۱۳۸۰ش).
- ۵۰- صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر، تفسیر صفی، ط ۱، تهران، انتشارات منوچهری، (۱۳۷۸ش).
- ۵۱- طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انتشارات قلم، (۱۳۸۰ش).
- ۵۲- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات صدوق، (۱۳۶۰ش).
- ۵۳- فارسی، جلال الدین، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، انجام کتاب، (۱۳۶۹ش).
- ۵۴- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، تحقیق: هیئت علمی دار القرآن الکریم، ط ۱، تهران، دار القرآن الکریم، (۱۴۱۵ق).
- ۵۵- فیض الاسلام، سیدعلی نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، ط ۱، تهران، انتشارات فقیه، (۱۳۷۸ش).
- ۵۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ط ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، (۱۳۸۳ش).
- ۵۷- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ط ۳، تهران، بنیاد بعثت، (۱۳۷۷ش).
- ۵۸- قرن دهم هجری، مترجم: نامشخص، ترجمه قرآن، تحقیق: دکتر علی رواقی، ط ۱، تهران، بی‌نا، (۱۳۸۴ش).
- ۵۹- کاویانپور، احمد، ترجمه قرآن، ط ۳، تهران، انتشارات اقبال، (۱۳۷۸ش).

- ۶۰- گرمارودی، علی، ترجمه قرآن، ط ۲، تهران، انتشارات قدیانی، (۱۳۸۴ش).
- ۶۱- گروه مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مقدمه: آیه الله واعظ زاده خراسانی، ط ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، (۱۳۷۷ش).
- ۶۲- گروه مترجمان، ترجمه تفسیر طبری، تحقیق: حبیب یغمایی، ط ۲، تهران، انتشارات توس، (۱۳۵۶ش).
- ۶۳- مجتوبی، سیدجلال الدین، ترجمه قرآن، ویراستار: حسین استادولی، ط ۱، تهران، انتشارات حکمت، (۱۳۷۱ش).
- ۶۴- مجده، امید، ترجمه قرآن، ط ۱۶، تهران، انتشارات امید مجده، (۱۳۸۲ش).
- ۶۵- مشکینی، علی، ترجمه قرآن، ط ۲، الهادی، قم، (۱۳۸۱ش).
- ۶۶- مصباح زاده، عباس، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران، سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).
- ۶۷- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ط ۱، تهران، مرکز نشر کتاب، (۱۳۸۰ش).
- ۶۸- معزی، محمد کاظم، ترجمه قرآن، ط ۱، قم، انتشارات اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۶۹- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، ط ۲، قم، دار القرآن الکریم، (۱۳۷۳ش).
- ۷۰- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ط ۵، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴ش).
- ۷۱- میدی، رشید الدین، کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران، تحقیق: علی اصغر حکمت، ط ۵، انتشارات امیر کبیر، (۱۳۷۱ش).
- ۷۲- میرزاخسروانی، علی رضا، تفسیر خسروی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، ط ۱، تهران، انتشارات اسلامی، (۱۳۹۰ق).
- ۷۳- نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، ط ۱، تهران، انتشارات اسلامی، (۱۳۹۸ق).
- ۷۴- نسفی، ابوحفص محمد، ترجمه تفسیری مسجع، تحقیق: دکتر عزیزالله جوینی، ط ۳، تهران، انتشارات سروش، (۱۳۶۷ش).
- ۷۵- الهی قمشهای، مهدی، ترجمه قرآن، ط ۲، قم، انتشارات فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۷۶- یاسری، محمود، ترجمه قرآن، تحقیق: آیه الله مهدی حائری تهرانی، ط ۱، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی، (۱۴۱۵ق).

مجلات

۷۷- رزاقی، علی، «امنیت غذایی از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه اخلاقی پزشکی، تهران، صص ۱۷۱ - ۱۹۰، (۱۳۸۸ش).

۷۸- عالی پور، فتح اله و مهدوی، فرنگیس، «حلال و طیب عالی ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی از دیدگاه قرآن»، نشریه اسلام و سلامت، بابل، صص ۴۱ - ۵۰، (۱۳۹۳ش).